

صدها هزار کارگر نساجی در خطر اخراج

یوسف آبخون

در روز سه شنبه ۳ مهرماه ۸۰ در مجلس شورای اسلامی "قانون حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور" به تصویب رسید. در بند دال این لایحه آمده است: «نیروی انسانی مازاد واحدهای مشمول این قانون با پیشنهاد مدیر واحد و با تایید کمیته ای متشکل از نمایندگان وزارت خانه های صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مشمول تعدیل گردیده و در مقابل پرداخت حقوق مقرر در قادنون کار، بازخرید می گردند».

علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر گفته است که با تصویب این قانون، هزاران کارگر این صنعت در خطر اخراج قرارگرفته اند. وی گفته است که این قانون مغایر قانون کار و همین طور مقاوله نامه های ۷۸ و ۹۸ سازمان جهانی کار است. چرا که در این قانون، نمایندگان کارگران و هم چنین کارفرمایان در تصمیم گیری برای اخراج کارگران حذف شده اند.

معلوم است که در این اعتراض حق کاملاً با آقای محبوب است. ولی مسئله این است که وی با ژستی مثلاً برای دفاع از منافع کارگران تنها می خواهد از منافع خود و از منافع «خانه کارگر» دفاع کند که تاکنون اولاً در دفاع از دولت و سیاست های آن، زمینه را برای ورشکستگی نه تنها صنایع نساجی بلکه کل اقتصاد کشور و از آن جا اخراج هزاران هزار کارگر فراهم کرده است. و ثانیاً با دشمنی با کارگران و تلاش های شان برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری آن ها را در جهت مبارزه با همین قوانین ضد کارگری و قوانین مشابه با آن، بی دفاع کرده اند. به عبارت دیگر اعتراض محبوب اعتراض به اصل اخراج کارگران نیست، بلکه این است که چرا به اصطلاح نمایندگان کارگران، که وی و هم پالکی های ش در خانه کارگر باشد و همین طور سرمایه داران در این مصوبه مجلس از تصمیم گیری برای اخراج کارگران کنار گذاشته شده اند. چرا که از نظر وی اولاً- همان طور که تاکنون بوده، اخراج کارگران اشکالی ندارد مگر آن که منافع وی و تشکل وابسته به وی تامین شود. یعنی همان سیاستی که وی و تشکل وابسته به وی، یعنی خانه کارگر، در دفاع از منافع خود و به نام دفاع از دولت خود، تاکنون داشته اند. سیاستی که موجب شده تا در برابر اخراج های دسته جمعی کارگران، که قبل از همین مصوبه اخیر نیز در جریان بوده، موضع سکوت اختیار کنند.

ثانیاً کارگران در این کشور نمی توانند نماینده دیگری به جز محبوب و تشکل وابسته به وی داشته باشند تا از حقوق خود دفاع کنند. چیزی که در قانون کار اسلامی به صراحت اعلام شده ولی کاملاً مغایر با مقاوله نامه های سازمان جهانی کار است. مقاوله نامه هایی که حالا محبوب برای دفاع از خود می خواهد به آن ها تکیه کند ولی نمی تواند از آن ها دفاع کند. اما بهر حال کارگران با خطر بی حقوقی مطلق که با مصوبه اخیر مجلس در برابر آن قرار گرفته اند و با پای مال شدن حتی حقوق ناچیزی که در قانون کار اسلامی به رسمیت شناخته شده بود، از هر فرصتی برای مقاومت در برابر این قانون ضد کارگری سود خواهند جست. فرصتی که حتی می تواند از اختلافات سران رژیم و تشکل های وابسته به رژیم بر سر تصویب این قانون به وجود بیاید. قانونی که در پی محروم کردن کارگران کارگاه های کمتر از ۵ کارگر به سراغ کارگران کارخانه های بزرگ و به بهانه بازسازی و نو سازی آن ها آمده است.

کارگران به تجربه میدانند قانونی که حالا میخواهد به بهانه به اصطلاح بازسازی و نو سازی صنایع نساجی به اخراج دسته جمعی کارگران جنبه رسمی و قانونی بدهد ادامه همان سیاستی است که در عمل در یک دهه گذشته و به نام دوره بازسازی هزاران کارگر را به بیکاری و گرسنگی محکوم کرده است. برای مقابله با چنین سیاستی به جز اتحاد کارگران صنایع بزرگ و همه بخش های کارگری و به ویژه کارگران کارگاههای کوچک وجود ندارد.